



## نقد و بررسی فیلم

# تصمیم رفتن اثر پارک چان ووک هم‌نوایی عشق و جنایت

نگارنده: آیدا محمدی‌زاده

می‌کند و او را می‌زند، همسرش بی‌تفاوت به او نگاه می‌کند؛ ولی چند لحظه بعد مردی در تلویزیون بی‌درنگ به نجات زنی در آتش می‌رود. آن لحظه نماد لحظه‌ای است که سونگ سو ره از جانگ هه جون برای خود ابرقهرمانی می‌سازد. یا در سکansı که سونگ سو ره با گربه به زبان چینی صحبت می‌کند و از او می‌خواهد قلب کارآگاه مهربان را برایش بیاورد؛ همچنین کلاغی که دفن می‌کند، دو راز را برای مخاطب آشکار می‌کند و آن‌هم این است که گربه، سونگ سو ره است و کلاغ مقتول است؛ یعنی سونگ سو ره از راه پرونده قتل به کارگاه نزدیک شده است. کارآگاه کانگ هه جون هم در زندگی شخصی و شغلی دچار مشکلاتی است و آرامش خود را در سونگ سو ره می‌یابد؛ حتی در سکانس‌هایی که کارآگاه در تعقیب و گریز سونگ سو ره است، به جای آنکه به پرونده فکر کند، خود را همراه او تصور می‌کند؛ بدین ترتیب فیلم‌ساز بدون گفتن کلمه‌ای حرف اضافه به راحتی توانست احساسات میان آن دو را از ثانیه اول تا انتهای فیلم به مخاطب انتقال بدهد و همزادپنداری مخاطب را بی‌آنکه مخاطب لحظه‌ای به ارزش‌های فرهنگی اهمیت می‌دهد و شخصیت‌ها را قضاوت کند برانگیزاند؛ حتی در تناسب بی‌نظیر نماها و قاب‌هایی که با مفهوم فرهنگ، معماری، هنر و طبیعت ایجاد کرده، به‌خوبی از شبمی میان بازیگران و داستان و تمامی عواملش استفاده کرده است. از این لحاظ تا مدت‌ها می‌تواند حتی بعد از فقط یک بار دیدن به ریشه‌دواندن در ذهن و قلب مخاطب ادامه دهد.

تا زمانی که سونگ سو ره مرتکب قتل دوم می‌شود، هرچند خوی عدالت‌جوی کارآگاه جانگ هه جون به دنبال حقیقت قتل دوم است، قلب او به ازدست‌دادن سونگ سو ره رضایت نمی‌دهد؛ حتی ازدست‌دادن شغل خود را به جان می‌خرد و راضی نیست به هیچ طریق ممکن باور کند و بپذیرد که سونگ سو ره مرتکب جرم شده است. سونگ سو ره به ساحل رفته و جانگ هه جون در تلاش برای یافتن اوست و درحالی که می‌کوشد از سونگ سو ره بخواهد همه مدارکی را که علیه اوست در دریا بیندازد، شاهد امضای پارک چان ووک مثل فیلم‌های گذشته‌اش هستیم که آن را در آخرین سکانس به یادگار می‌گذارد و اصالت فیلم خود را به همه می‌نمایاند. داستان با تراژدی عمیقی به پایان می‌رسد و سونگ سو ره به رفتن تصمیم می‌گیرد.

### ● نقد حاوی افشاسازی بخش‌هایی از داستان فیلم است.

شاهد بازگشت باشکوه کارگردان مشهور کره‌ای پس از شش سال غیبت به فرش قرمز جوایز بزرگ سینمایی سالیم که توانست جایزه بهترین کارگردان را از هفتادوپنجمین دوره جشنواره کن فرانسه که در شهر نیس برگزار شد، همراه خود به خانه ببرد.

آغاز فیلم تصمیم جدایی به مخاطب خبر از آب‌وهوای ناخوشایند فصلی می‌دهد؛ همچنین پرونده‌های انبوه قتل را می‌بینیم که روی هم انباشته شده‌اند و کارآگاه جانگ هه جون (با بازی پارک هه ایل) و دستیارش سو وون (با بازی گو کیونگ پیو) دست‌کم باید یک پرونده را حل کنند تا بیش از این پایه‌های شغلی خود را سست نکنند. تا اینکه پرونده قتل کیم دو سو شصت‌ساله کوهنورد تشکیل شد. مقتول از صخره‌ای بلند سقوط کرده است و پرونده در ابتدا بدون هیچ شک، مرگ بر اثر سانحه تلقی می‌شود. درست در همان زمان کارگاه با همسر مقتول سونگ سو ره (با بازی تانگ وی) که مهاجر چینی و پرستار سالمندان است، آشنا می‌شود. سونگ سو ره وقتی از مرگ همسرش خبردار می‌شود، شوک و غم حادثه نه تنها او را متأثر نمی‌کند، بلکه با آرامشی غیرقابل پیش‌بینی رفتار می‌کند. این رفتارش تمامی شبهه‌ها را به سمت او سوق می‌دهد و مخاطب از این لحظه با تمامی حواس می‌خکوب می‌شود.

تحقیقات ادامه دارد و کارگاه که با چشم کم‌سو و پرونده‌های حل‌نشده و بی‌خوابی خود دست‌وپنجه نرم می‌کند، همچنان به دنبال مظنون برای کیم دو سو مرحوم است. بعد از کالبدشکافی، دی‌ان‌ای همسر کیم دو سو را زیر ناخن‌هایش پیدا می‌کنند و سونگ سو ره به مظنون اصلی پرونده تبدیل می‌شود.

جلسه‌های بازجویی آغاز می‌شود؛ اما عشقی که با شمایل مدرن خود را به ما می‌نمایاند، رنگ افلاطونی به خود می‌گیرد و کارآگاه جلسه بازجویی را به شکل رستوران می‌بیند و با مظنون قتل سوشی مجل سرو می‌کند و هرکدام از آن‌ها چیزی را در یکدیگر می‌یابند که قبل از این نداشتند. سونگ سو ره در وضعیتی سخت به سر می‌برد و همسرهای قبلی‌اش او را به برگرداندن به سرزمین مادری‌اش یا با صداهای ضبط‌شده از او تهدید می‌کنند. از طرفی کارآگاه جانگ هه جون در سکansı قهرمان سونگ سو ره می‌شود. زمانی که طلبکار همسرش به سونگ سو ره حمله